

## جنگ و پیامد های محیط زیستی آن

جنگ در بنمایه خود رقابت سرمایه ها با وسایلی دیگر است. جنگ وحوش سرمایه بر سر بازتقسیم حاصل کار و استثمار توده های کارگر دنیا، جنگ کفتاران زشت سرمایه دار و حاکمان سرمایه داری برای افزایش سهم خویش در حصه حاکمیت سرمایه و مالکیت سرمایه ها و سودهای آفریده ما کارگران است. حاکمان سرمایه و دولتمردان آن در مجالس رسمی و پارلمان های خود به رقابت بر سر سهم سود عمومی تولید شده توسط کارگران به چانه زنی می پردازند. همین روند بین سرمایه های اجتماعی هر کشور و دیار در مجامع بین المللی، در کنفرانس ها با دیگر کشور ها روزانه جریان دارد. سرمایه داران و دولت های سرمایه همین روند رقابت را با کشتار جمعی توده ها بیش از پیش و با وسایل هر چه وحشتناکتر و پیش می برند.

تاکنون به تخریب محیط زیست از جانب کالاها، روند تولید و جامعه گردانی متعارف سرمایه داری پرداخته ایم وقت آنست که بعد دیگر این سیستم منحنی، فرسوده و مخرب را یکبار دیگر بررسی کنیم. جنگ های امپریالیستی و خانمان برانداز اول و دوم (با حدود ۵۰ میلیون کشته و بکاربردن سلاح اتمی در ناکاساکی و هیروشیما) و نیز جنگهای کره (۴.۵ تا ۷ میلیون کشته)، کنگو (یکی از طولانی ترین جنگها با نزدیک به ۴ میلیون کشته) ررواندا، فلسطین و ویتنام (با ۳ میلیون کشته)، جنگ رژیم های ایران و عراق (حدود ۱.۵ میلیون کشته و ۲ تا ۳ میلیون زخمی)، جنگ اول خلیج، حمله وسیع ارتش آمریکا در سال ۲۰۰۳ و ادامه هر چه فاجعه بارتر ابعاد بکارگیری سلاح های کشتار جمعی در این جنگ که در دل خود فجایع انسانی و محیط زیستی پروراندند و این حوزه پیش ریز سرمایه را از تجارب جدید برخوردار کردند و صد ها جنگ کوچک و محلی می گذریم. در جنگ سوریه و لیبی که از آغاز آن ها بیش از یک دهه می گذرد و هنوز پایانی بر آن ها دیده نمی شود سلاح های مخوفی بکار برده شد که هنوز در هاله از ابهام اند. در جریان بمباران گسترده عراق به غیر از به کارگیری انبوه سلاحها و بمبهای متعارف، از سلاحهای دارای اورانیوم رقیق شده (depleted uranium) و فسفر سفید بعنوان سلاح کشتار جمعی بطور وسیعی استفاده شد. این سلاحها دارای عوارض مخرب روی افراد غیرنظامی و همچنین محیط زیست اند. میزان استفاده از این سلاحها در جریان جنگ اول خلیج فارس حدود ۳۴۰ تن بود. اما این رقم در جریان حمله سال ۲۰۰۳ از سوی ارتش آمریکا به حدود پنج برابر افزایش یافت. به کارگیری این سلاحها منابع آبی، خاک و هوا را در عراق به شدت آلوده کرد. عوارض جانبی آلوده شدن با اورانیوم رقیق شده در بعضی مناطق همچنان باقی است. در سال ۲۰۰۴، یعنی یک سال پس از حمله، میزان سرطان خون در عراق بیش از هرکشور دیگر در جهان بود. در جریان نبرد فلوجیا در ماه نوامبر سال ۲۰۰۴، ارتش آمریکا از سلاحها و بمبهای دارای فسفر سفید برای مقابله با مخالفان مسلح که کنترل شهر فلوجیا را در دست داشتند استفاده کرد. دیگر شهرهای عراق از جمله اماره، بغداد، بصره، کربلا، از این بلاها در امان نماندند و به این مواد رادیواکتیو آلوده شدند. مقدار رادیواکتیو به کار گرفته شده برای مثال در فلوجه حتی «بدتر از آنچه در هیروشیما و ناکازاکی رخ داد» میباشد. این شهر همچنان چرنوبیل دوم نامیده می شود. تحقیقات سال ۲۰۱۸ توسط العربی نشان می دهد که عراق بالاترین میزان ناهنجاری های مادرزادی را در جهان طی دهه گذشته ثبت کرده است. نرخ ناهنجاری در فلوجه بدتر از حد متوسط در عراق بود، جایی که نیروهای ائتلاف ایالات متحده با اورانیوم ضعیف شده و فسفر سفید شهر را مورد حمله قرار داده اند. به گفته دولت عراق، در سال ۲۰۰۵، بروز سرطان در این کشور به دلیل استفاده از مهمات اورانیوم ضعیف شده از ۴۰ به ۱۶۰۰ مورد در هر صد هزار نفر شهروند افزایش یافته است. ارتش آمریکا که در ابتدا به کارگیری این سلاحها را انکار کرده بود، بعدها به استفاده از آنها اعتراف کرد. مطابق یک تحقیق دانشگاهی که در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، تنها در شهر فلوجیا میزان ابتلا به انواع سرطانها چهار برابر شده است. این میزان در مورد کودکان زیر چهارده سال عراقی حدود دوازده برابر رشد را نشان می دهد. مرگ و میر کودکان در این شهر عراقی نیز چهار برابر بیشتر از مرگ و میر کودکان در اردن، کشور همسایه عراق است. در سال ۲۰۱۴، گروه صلح هلندی پاکس فاش کرد که جت ها و تانک های آمریکایی نزدیک به ده هزار گلوله اورانیوم ضعیف شده را در عراق شلیک کردند که بسیاری از آنها در مناطق پرجمعیت یا در نزدیکی آن استفاده شده. همچنین بر اثر استفاده از این سلاحها، آمار تولد نوزادان همراه با نقص عضو و ناهنجاری های دیگر به شدت در شهر فلوجیا و نقاط دیگر افزایش یافت. به جز اورانیوم رقیق شده و فسفر سفید، انواع مواد دیگر مانند پرکلرات موجود در موشکها و مواد شیمیایی دیگر بر اثر به کاربردن سلاحهای مختلف یا تردد ادوات نظامی مانند هواپیماهای جنگی، تانکها و ماشینها در محیط زیست عراق را نیز باید به حساب آورد. مطابق آمار که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد، مصرف سوخت ارتش آمریکا در عراق ماهانه برابر با یک میلیون و دویست هزار بشکه نفت بود که در عرض یک سال به رقمی در

حدود ۱۴ میلیون بشکه رسید. مصرف چنین حجم عظیمی از بنزین، گازوییل و انواع سوخت‌های دیگر توسط ارتش آمریکا، آلودگی‌های فراوانی از جمله گاز کربنیک را در هوا و محیط زیست عراق افزایش داد. با آتش‌گرفتن مرکز تولید فرآورده‌های سولفور المشرق در سی کیلومتری شهر موصل، حجم عظیمی از گازهای سمی آزاد شد و آسمان عراق و بسیاری از کشورهای خاورمیانه را تا مدت‌ها آلوده کرد. این کارخانه سالانه حدود یک میلیون و دویست هزار تن فرآورده‌های شیمیایی تولید می‌کرد. مطابق گزارش سازمان ملل متحد که در اکتبر سال ۲۰۰۳ منتشر شد، بیش از چهل درصد از درختان در شعاع صد کیلومتری این کارخانه شیمیایی آسیب دیدند و یا از بین رفتند. از دیگر مراکز صنعتی و نظامی آسیب دیده که باعث آلودگی گسترده محیط زیست شدند می‌توان به کارخانه تولید مهمات «القعاغ» در سی کیلومتری جنوب بغداد، مرکز تحقیقات هسته‌ای «التویته» و همچنین انبارهای پتروشیمی «الدوره» اشاره کرد. این انبارها که یکی از بزرگترین مکان‌های نگهداری مواد شیمیایی و پتروشیمی در عراق بودند در جریان جنگ از سوی گروه‌های مختلف مورد غارت و هجوم قرار گرفتند و سپس تخریب و سوزانده شدند. بر اثر این آتش‌سوزی‌ها بیش از پنج هزار تن مواد بسیار سمی در محیط آزاد شد. با خروج نیروهای آمریکایی از عراق نیز حجم زیادی از آلودگی‌ها و پس مانده‌ها در عراق باقی ماند. گزارشی که روزنامه تایمز چاپ بریتانیا در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد نشان داد ارتش آمریکا در حالی عراق را ترک کرد که پشت سر خود کشوری به شدت آلوده بر جای گذاشته بود. زباله‌ها و پسمانده‌های سمی از بشکه‌های نفت و بنزین گرفته تا اسید سولفوریک، باتری‌های مصرف شده ماشین و آهن آلات قراضه در حجم فراوان تصویری است دهشتناک از محیط زیست آلوده شده یک کشور جنگ زده. مطابق دستورالعمل پنتاگون این پسمانده‌ها می‌بایست از عراق خارج و در آمریکا به شکل امنی منهدم می‌شدند، اما واقعیت موجود روی زمین برخلاف این را نشان می‌دهند. گزارش دیگری که توسط روزنامه نیویورک تایمز در ماه ژوئن ۲۰۱۰ منتشر شد بر آلودگی گسترده آب‌ها و رودخانه‌های عراق تاکید می‌کرد. شط العرب یا اروند رود که از پیوستن دجله و فرات شکل می‌گیرد و به خلیج فارس می‌ریزد، برای مردم عراق به یک معضل بزرگ زیست محیطی تبدیل شده است. خشکسالی‌های پیاپی نیز مزید بر علت شدند به طوری که با پسروی رودخانه، آب دریا به درون آن پیشروی کرده، میزان شوری آب به حد غیرقابل کنترلی بالا رفته و آسیب‌های فراوانی به زمین‌های اطراف و حوضه آبریز آن وارد شده است. سدسازی کشورهای اطراف روی رودخانه‌هایی که به دجله و فرات وارد می‌شوند نیز تاثیر مهمی در این امر داشته است. مطابق آمارهای دولت عراق، همچنان یک نفر از هر چهار نفر عراقی از دسترسی به آب سالم و بهداشتی محروم است. هنوز در برخی از شهرها و روستاهای عراق آب رسانی با استفاده از تانکرهای سیار آب انجام می‌شود. دوره جدید جنگهای خانمان سوز سرمایه داری با ابعاد محیط زیستی و امراض شناخته و ناشناخته تازه آغاز شده است. جنگ سوریه و ادامه جنگ در عراق با ابعاد جدید و فاکتورهای جدیدی نظیر گروه‌های مختلف ساخته دولت‌های سرمایه داری منطقه و امپریالیستها ابعادی دیگر به مسائل محیط زیستی سرمایه داری خواهد داد.

در حالی که جهان بیستمین سالگرد جنگ عراق را به یاد می‌آورد، مقامات دولت‌های غربی سرمایه تلاش کرده اند تا اثرات مخرب اورانیوم ضعیف شده بر جمعیت غیرنظامی این کشور ویران شده را کم اهمیت جلوه دهند. علت را می‌بایست در فاجعه ای که در اروپا (اکراین) جریان دارد دید. دولت‌های درگیر این جنگ اعم از ۳۰ کشور عضو ناتو و روسیه در حال فاجعه آفرینی دیگری هستند. وزارت دفاع بریتانیا روز ۲۲ مارس ۲۰۲۳ در بیانیه‌ای انتقادات روسیه از ارسال مهمات حاوی اورانیوم ضعیف‌شده توسط این کشور به اوکراین را رد کرد. یک روز پیش از این ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه گفته بود اگر بریتانیا گلوله‌های ساخته‌شده از اورانیوم ضعیف‌شده را به اوکراین بفرستد، روسیه «مجبور به واکنش» خواهد شد. بریتانیا تأیید کرد که گلوله‌های ضدزره حاوی اورانیوم ضعیف را در کنار تانک‌های «چلنجر ۲» در اختیار کی‌یف قرار می‌دهد. «مقامات دولتی روسیه این پروژۀ را به شدت محکوم می‌کنند. چرا لندن تصمیم گرفت تسلیحاتی را که قبلاً توسط ناتو در یوگسلاوی استفاده شده و امتحان خود را پس داده اند، به اوکراین تحویل دهد». روز جمعه هفتم ژوئیه ۲۰۲۳، جو بایدن ضمن «بسیار دشوار خواندن» تصمیم خود، تأیید کرد که آمریکا بمب‌های خوشه‌ای در اختیار ارتش اوکراین خواهد گذاشت. این در حالی است که «بر اساس گزارش ناظران بین‌المللی (۶ سپتامبر ۲۰۲۳)، در سال ۲۰۲۲ میلادی بیش از ۳۰۰ نفر در اوکراین بر اثر استفاده نیروهای روسیه از بمب‌های خوشه‌ای کشته و بیش از ۶۰۰ نفر زخمی شدند که این رقم برای اولین بار در یک دهه گذشته، از شمار تلفات سوریه در این موضوع (به عنوان کشوری که بیشترین تلفات ناشی از این سلاح‌های بحث برانگیز را داشته) پیشی گرفته است. استفاده گسترده روسیه از این بمب‌های خوشه‌ای که در هوا باز می‌شود و تعداد زیادی بمب یا مهمات کوچک‌تر را همزمان رها می‌کند، در تهاجم روسیه به اوکراین (و تا حدی استفاده از آنها توسط نیروهای اوکراینی نیز) باعث شد تا سال ۲۰۲۲ به مرگبارترین سال برای قربانیان این بمب‌ها تبدیل شود. این خبر روز سه شنبه (۵ سپتامبر ۲۰۲۳) در گزارش سالانه ائتلاف مهمات

خوشه‌ای (شبکه‌ای از سازمان‌های غیردولتی که از ممنوعیت این سلاح‌ها حمایت می‌کنند) منتشر شد». بنابر سندی که به دست رویترز (۲ سپتامبر ۲۰۲۳) رسیده، دولت جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا قرار است برای نخستین بار مهمات ضدتانکی را که حاوی اورانیوم ضعیف شده است به اوکراین ارسال کند. بر اساس این سند که به تایید دو مقام آمریکایی رسیده، قرار است از این گلوله‌های ضدتانک به عنوان بخشی از بسته جدید کمک نظامی ایالات متحده به اوکراین، هفته آینده رونمایی شود. بنابر اظهارات یک مقام آمریکایی ارزش این بسته کمک نظامی بین ۲۴۰ تا ۳۷۵ میلیون دلار خواهد بود. اگرچه بریتانیا در اوایل سال جاری مهمات حاوی اورانیوم ضعیف شده را به کی‌یف ارسال کرده است، اما این نخستین بار است که ایالات متحده چنین محموله‌ای را به اوکراین می‌فرستد.

چراغ سبز نهاد بین المللی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای استفاده از اورانیم ضعیف شده در جنگ (۲ سپتامبر ۲۰۲۳): «ناظر هسته‌ای سازمان ملل متحد می‌گوید، با انجام مطالعاتی در یوگوسلاوی سابق، کویت، عراق و لبنان به این نتیجه رسیده است که «وجود بقایای اورانیوم ضعیف شده پراکنده در محیط مسمومیت پرتوی یا سایر خطرات این‌چنینی برای ساکنان منطقه ایجاد نمی‌کند.»!! این در حالی است که تمامی شواهد و ارقامی که در فوق گزارش شد دال بر وجود و انباشت این فلز در جوامع انسانی، مزارع، کشتزارها و مراتع عواقب سرطانی و وخیم دیگری برای موجودات زنده و انسان ایجاد می‌کند. آن چه ما امروز بصورت تخریبات محیط زیستی شاهد هستیم و بی شک از این بیشتر شاهد خواهیم بود سرنوشت اجتناب ناپذیر این روابط تولید است. سرنوشت ما کارگران و فرزندان ما و آینده آن‌ها بوسیله سرمایه و روابط تولیدی آن رقم می‌خورد تا زمانی که ما خود را بعنوان آحاد طبقه کارگر در شوراهای کارگری ضد کار مزدی علیه سرمایه متحد و متشکل نکرده ایم و در تمامی حوزه‌ها بر علیه این نظام اختاپوسی نحس ضد بشری وارد نبر نشده ایم، همین سرنوشت ما است. در این میان آنچه از همه فاجعه‌بارتر و دهشت‌انگیزتر است وضعیتی است که طبقه کارگر بین المللی (و توده کارگر اروپا) و جنبش کارگری جهانی دارد. کارگران دنیا به خفت‌بارترین شکل و غم‌انگیزترین وضع، پیاده نظام بدون هیچ اراده، مقهور و تسلیم اوامر مطاع سرمایه شده‌اند. تاریخ قرن بیستم و قرن اخیر تاریخ جدا ساختن و بیرون راندن ما از میدان واقعی جنگ طبقاتی علیه سرمایه بوده است. فقر و فلاکت، جنگ و خونریزی تنها با محو و نابودی این نظم چرکین و دهشتناک و به دست طبقه متحد و متشکل شده در شوراهای کارگری و با برادری بین المللی طبقه ما میسر خواهد شد و نه چیز دیگر. باید از گمراهه‌ها بیرون آمد. باید به میدان واقعی مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری باز گشت. در این جنگ کل ما همزنجیران متحد می‌شویم، خود را شورائی متشکل می‌کنیم، شوراها را کانون آموزش، شناخت، ارتقاء آگاهی و همه اینها در پروسه کارزار رادیکال علیه سرمایه می‌کنیم، با قدرت شورائی خود برای تصرف یکایک مراکز کار و تولید از دست صاحبان سرمایه می‌جنگیم. در این جنگ کل قدرت قهر اقتصادی، سیاسی، نظامی، پلیسی، فرهنگی و شستشوی مغزی بورژوازی، کل ساختار حاکمیت و موجودیت سرمایه را به مصاف می‌کشیم.

کارگران ضد سرمایه داری